

سبک‌شناسی پیکره‌ای از نظریه تا کاربرد

مهرداد سپهری^۱

چکیده

این مقاله به منظور معرفی یکی از نوآوری‌های علم زبان‌شناسی طی دو دهه اخیر و کاربرد فن‌آوری‌های نوین در سبک‌شناسی ادبی که آن را سبک‌شناسی پیکره‌ای نامیده‌اند نوشته شده است. زبان‌شناسی پیکره‌ای خود ماحصل رشد و پیشرفت شاخه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی از یک سو و توسعه فن‌آوری‌های رایانه‌ای و ارتباطات دیجیتال در دو دهه پایانی قرن بیستم از دیگر سوی بوده است. بدین ترتیب در قسمت اول مقاله به بنیادهای نظری زبان‌شناسی پیکره‌ای، روش‌ها و ابزارهای موردنیاز در بکار بستن پیکره‌ها و ارائه چند نمونه عملی از تحلیل‌های پیکره بنیاد در پژوهش‌های زبان‌شناسی پرداخته شده است. مقاله ضمن معرفی یکی دیگر از کاربردهای پیکره‌های زبانی در مطالعات ادبی و خصوصاً سبک‌شناسی ادبی به تاریخچه شکل‌گیری و پدیدار آمدن سبک‌شناسی پیکره‌ای که طی یک دهه گذشته یعنی از ۲۰۱۰ میلادی به بعد پا به عرصه وجود گذاشته است ادامه می‌یابد و با ارائه چند نمونه از مطالعات سبک‌شناسی ادبیات داستانی زبان انگلیسی و توصیه‌های عملی به علاقه‌مندان این‌گونه پژوهش‌های پیکره بنیاد خاتمه می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: پیکره، سبک‌شناسی پیکره‌ای، خطوط واژه‌نما، نرم‌افزار بسامدنگار

مقدمه

پیش از پرداختن به موضوع اصلی مقاله حاضر، لازم است مختصر معرفی‌ای از زبان‌شناسی پیکره‌ای ارائه شود. زبان‌شناسی پیکره‌ای آن‌چنان که امروزه با آن روبرو هستیم حاصل پیشرفت و توسعه فن‌آوری‌های رایانه‌ای و انباشت نمونه‌های گوناگون زبانی اعم از زبان گفتاری و نوشتاری در پایگاه‌های داده‌های زبانی است. تأکید آن دسته از زبان‌شناسانی که داده‌های واقعی زبان را مبنای اساسی تحلیل و بررسی قلمداد می‌کرده‌اند منجر به پیدایش این شاخه از زبان‌شناسی شد. زبان‌شناسان بزرگی همچون مایکل هلیدی، جان سینکلر، جفری لیچ، داگلاس بایبر، سوزان کنراد، مایکل مک کارتی و سوزان هانستون را می‌توان از پیشگامان این رویکرد علمی به زبان و مطالعات زبانی دانست. بسیاری از زبان‌شناسان جان سینکلر را یکی از تأثیرگذارترین افراد در زبان‌شناسی نوین می‌دانند. سینکلر (۱۹۹۸) بر این باور بود که یک واژه به خودی خود و به تنهایی معنا ندارد، بلکه این معنا را از طریق توالی چندین واژه به دست می‌آورد. همین تفکر اوست که پایه و اساس زبان‌شناسی پیکره‌ای را تشکیل می‌دهد. به اعتقاد او زبان‌شناسی پیکره‌ای دیدگاهی عینی‌تر از زبان ارائه می‌دهد و این موضوع به دلیل آن است که گویشوران به الگوهای نیمه خودآگاه تولید شده از طریق زبان دسترسی ندارند، اما یک تحلیل پیکره بنیاد می‌تواند تقریباً هر نوع الگوی زبانی از جمله واژگانی، ساختاری، واژی دستوری، کلامی، واجی و صرفی را بررسی کند (ذوالفقار کندی و همکاران ۱۳۹۸). بنا به گفته عاصی (۱۳۸۲)، امروزه شرط اساسی بسیاری از پژوهش‌های نظری و کاربردی مانند نظریه‌پردازی و توصیف ساختمان زبان، گویش‌شناسی، دستورنویسی و فرهنگ‌نگاری تکیه بر داده‌های واقعی زبان است. داده‌هایی که به شکل مجموعه‌هایی از متون و با فرمت دیجیتالی در فضای رایانه‌ای ذخیره و اصطلاحاً پیکره نامیده شده‌اند.

ذوالفقار کندی و همکاران (۱۳۹۸) به تنوع و سیعی از کاربردهای پیکره‌ها می‌پردازند و اشاره می‌کنند که پیکره‌ها امکان استفاده از داده‌های زبانی را در مقیاسی بزرگ بر اساس متون واقعی و موثق فراهم می‌آورند. آن‌ها ادامه می‌دهند که شناسایی و استخراج واژه‌های تخصصی پرکاربرد به شیوه‌ای علمی و بدون اعمال نظر شخصی در آموزش زبان‌های خارجی و تخصصی، از اهمیت بالایی برخوردار است. از مزایای استخراج خودکار واژه‌ها از پیکره‌ها به روش بسامدشماری می‌توان به استفاده دامنه گسترده‌ای از واژه‌ها، به‌روزرسانی متن‌ها با گذر زمان، بررسی اثر پویایی زبان، بالا رفتن سرعت تهیه متون آموزشی و نظایر آن اشاره کرد که تهیه آن از توانایی نیروی انسانی بدون بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین خارج است. از آنجایی که هدف اصلی مقاله حاضر معرفی یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای که در مطالعات ادبی و خصوصاً سبک‌شناسی ادبی کارایی دارد است، به سایر کاربردهای آن همچون آموزش زبان خارجی^۱، معناشناسی^۲، واژه‌شناسی، گفتمان‌شناسی، منظورشناسی^۳ و مطالعات ترجمه‌نمی‌پردازیم^۴.

۱ Beikian and Esmailnia (۲۰۲۳)، Cheng (۲۰۱۰)، Oveidi et. al. (۲۰۲۲)، Sepehri. (۲۰۱۵)

۲ Baayen (۲۰۰۹). Marelli (۲۰۱۹)

۳ Glynn and Robinson (۲۰۱۴)

۴ Kübler and Aston (۲۰۱۰)

زبان‌شناسی پیکره‌ای

همان‌طور که در بالا بدان اشاره شد در زبان‌شناسی پیکره‌ای، پدیده‌های زبانی بر اساس نمونه‌های ذخیره شده الکترونیکی از زبان طبیعی مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد. هنگامی که چنین نمونه‌هایی به روشی اصولی و قاعده‌مند جمع‌آوری و نگهداری می‌شوند صحبت از «پیکره» به میان می‌آید. به‌عنوان نمونه پیکره‌های زبانی نوشتاری حاوی مقالات، روزنامه‌ها و کار برگ‌ها، نمونه‌هایی از مقالات آکادمیک هستند و پیکره‌های گفتاری شامل رونویسی زبان گفتاری، مثل مکالمات، گفتارهای کلاس درس، مصاحبه یا برنامه‌های تلویزیونی هستند. (ماهلبرگ ۲۰۱۴)

در تقسیم‌بندی پیکره‌ها، عاصی (۱۳۸۲) که خود از مدل کندی (۱۹۹۸) بهره‌مند شده است انواع تقسیم‌بندی‌های متعددی را پیشنهاد کرده است. او استفاده از هریک از انواع تقسیم‌بندی را معطوف به اهداف و رویکردهای اتخاذ شده در مطالعه‌ای که پژوهشگر در دست انجام دارد کرده است. همان‌طور که هانستون (۲۰۲۲: ۴۳) اشاره می‌کند «پیکره‌ها» طراحی می‌شوند و هرکدام برای هدفی خاص طراحی می‌شوند. معیارهای اندازه، تعادل، نمایندگی و قابلیت مقایسه با در نظر گرفتن این که اغلب این معیارها با یکدیگر در تضاد هستند و در اغلب موارد مانع از ساخت یک پیکره کامل می‌شوند. بنا به گفته عاصی، پیکره‌های زبانی می‌توانند عام و گسترده، نمونه تصادفی از یک زبان و یا نمونه‌ای تخصصی و نماینده یک گونه خاص زبانی باشند. پیکره‌ها را می‌توان برای منظورهای گوناگون به کار گرفت، از جمله برای فرهنگ‌نگاری، معناشناسی، بررسی‌های دستوری، آموزش زبان و مانند این‌ها. پیکره‌ها را می‌توان از نظر اندازه و گستره به دسته‌های محدود، متوسط و عظیم تقسیم کرد. دسته‌بندی پیکره‌ها از نظر رویکردها (فرم و کارکرد) عبارتند از (۱) پیکره اشباع‌شده که بر اساس ویژگی‌های آماری و غنای واژگانی (نسبت شمار سرواژه‌ها به شمار موارد کاربردی type/token) تهیه می‌شود، (۲) پیکره موقعیتی که بنا بر نیازهای خاص یک بررسی فراهم می‌شود، (۳) پیکره پیش‌ساز که منابع متون زبانی را در طول دوره‌های زمانی گردآوری و بررسی می‌کند، (۴) پیکره تطبیقی که یک پیکره چندزبانه با نمونه‌های مشابه از هر زبان را شامل می‌شود، (۵) پیکره موازی، پیکره‌ای چندزبانه با متنی اصلی از یک زبان و ترجمه آن در زبان‌های دیگر و نهایتاً (۶) پیکره دو سویه که پیکره‌ای است چندزبانه با متن اصلی به همه زبان‌ها و ترجمه آن‌ها به همه زبان‌ها. (کندی، ۱۹۹۹)

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم داده‌های پیکره این است که متون موجود در یک پیکره، متون واقعی هستند که توسط مردم برای برقراری ارتباط و تعاملات روزمره استفاده شده‌اند. ذخیره‌سازی پیکره‌های زبانی به صورت الکترونیکی امکان پردازش متون با کمک ابزارهای رایانه‌ای را فراهم می‌کند. از این رو، متون را می‌توان به روش‌های مختلفی جستجو و نمایش داد و رایانه می‌تواند طیف وسیعی از اطلاعات کمی تولید کند. یکی از جنبه‌های بسیار اساسی و مهم بعد کمی داده‌های پیکره‌ای مشاهده تکرارها است. الگوهای تکراری کلمات گاهی با معانی مختلفی از کلمات در هم آمیخته می‌شوند؛ به عبارت دیگر

در باره‌ای از مواقع شکل‌گیری و تکرار یک الگو حاصل تکرار یک یا چند کلمه در یک ساختار دستوری است که امری صوری و ساختاری است و حال آنکه از لحاظ معنایی شاید دقیقاً تکرار معنایی به همراه نداشته باشد. توانایی شناسایی چنین روابط بین الگوها و معانی، تأثیر بسزایی در نحوه گردآوری و نگارش لغت‌نامه‌ها داشته است. به خصوص کلمات بسیار پرتکرار در طیف وسیعی از الگوها و داده‌های پیکره‌ها می‌توانند به ساختار مدخل‌های فرهنگ لغات بر اساس پربسامدترین و احتمالاً مفیدترین الگوها کمک کنند. (به‌عنوان مثال به سینکلر ۱۹۸۷ رجوع کنید)

روش‌های زبانشناسی پیکره‌ای

متداول‌ترین روش عملی برای شناسایی الگوهای زبانی نهفته در متون که به‌وسیله نرم‌افزار پیکره‌ای، بسامدنگار، بکار برده می‌شود تهیه مجموعه‌ای از خطوطی است که در یک واژه و یا یک خوشه واژگانی مشترکند. این مجموعه خطوط را اصطلاحاً خطوط واژه‌نما می‌نامند. بسامدنگار ابزاری است که بافت متنی یک کلمه خاص و یا یک ساختار دستوری مورد نظر را در متن یا گنجینه‌ای از متون عرضه می‌کند. واژه کلیدی در وسط خطوط و به‌طور هماهنگ و منظم نسبت به خطوط بالایی و پایینی واژه مورد جستجو را به نمایش درمی‌آورد. واژه مورد نظر در مرکز یک محیط متنی قرار می‌گیرد که طول و تعداد کلمات قبل و بعد از آن تقریباً یکسانند (مثلاً ۸۰ حرف و یا ۱۰ واژه) که بنا به انتخاب کاربر قابل تغییر است. (سپهری، ۱۳۸۵)

در مثال زیر (شکل ۱) مجموعه‌ای از خطوط واژه‌نما از پیکره‌ای که شامل سه رمان غرور و تعصب، اما و ترغیب از شاهکارهای ادبیات داستانی انگلیسی به قلم جین آستین تهیه شده است را ملاحظه می‌کنید. برای تهیه این پیکره نیاز به فایل‌های دیجیتالی سه رمان مذکور با فرمت txt. هست. به کمک نرم‌افزار AntConc هر سه فایل بارگذاری شده است و امکان بررسی‌های پیکره‌ای آثار جین آستین فراهم آمده است. کل کلمات بکار رفته در این سه رمان ۳۶۸۹۱۲ (token) و تعداد کلمات بدون تکرار (type) ۱۰۲۹۸ کلمه است. این‌گونه اطلاعات آماری را از طریق منوی word list در نرم‌افزار به دست می‌آوریم. در نمونه ارائه شده در شکل ۱ کلمه poor مورد جستجو بوده است که در کل این پیکره ۲۲۹ بار تکرار شده است. به علت محدودیت صفحه نمایش رایانه امکان دیدن تمامی ۲۲۹ خط وجود ندارد و فقط ۲۸ خط قابل رویت است. برای دیدن همه این خطوط باید صفحه نمایش به سمت پایین کشیده شود و یا از طریق منوی ذخیره‌سازی (save output) تمامی خطوط واژه‌نما را در یکی از محیط‌های Excel و یا Word ذخیره کرد. با امکانی که بسامدنگار برای پژوهشگر فراهم کرده خطوط واژه‌نما در سه سطح مرتب شده‌اند. سطح اول اولین کلمه سمت راست (R۱) کلمه poor بر اساس حروف الفبا مرتب شده است و در سطوح ۲ و ۳ به ترتیب دومین (R۲) و سومین (R۳) کلمات سمت راست مرتب‌سازی شده‌اند. پژوهشگر می‌تواند نوع مرتب‌سازی خطوط را تعیین و به نرم‌افزار فرمان دهد. هرچقدر عمل مرتب‌سازی خطوط موارد مشابه و تکراری بین خطوط را نمایانگر کنند الگوهای زبانی بیشتری به نمایش در خواهند آمد و این یعنی کشف الگوهای زبانی.

در خط ۱ shoulder scare (ترس از شانه)، خط ۲۷ salsa shoulder (سالسا شانه) یا خط ۱۶ iPad shoulder اشاره شده است. همچنین خط ۳۰ specialist shoulder (متخصص شانه) نشان می‌دهد که این قسمت از بدن انسان اغلب زمانی که دارای مشکل جسمی و سلامتی هست و احتمالاً نیاز به درمان تخصصی دارد ذکر می‌شود. (این مورد اغلب در مورد افراد ورزشکار بکار می‌رود) علاوه بر این، روزنامه‌ها به shoulder (به معنای شانه) در زمینه مد (خطوط ۱۱ و ۱۲) اشاره می‌کنند. در حالی که در بیشتر موارد این کلمه از لحاظ دستوری اسم است، دو مورد نیز وجود دارد که معنای فعلی را با خود به همراه دارد: در خط ۷ کشورهای ثروتمند «مسئولیت» را به دوش می‌کشند و در خط ۲۹ مالیات‌دهندگان انگلستان از «رکود بارانه‌ای» شانه خالی می‌کنند.

در نمونه‌های ارائه شده در شکل ۲ برخی از معیارهای اصولی بازیابی رعایت نشده است، البته این نمونه‌ها عمدتاً برای نشان دادن اینکه چگونه یک نمونه تصادفی از یک پیکره به اندازه کافی بزرگ، الگوهایی را برای یک کلمه نشان می‌دهد که معانی خاصی را در بر دارد و این معانی را می‌توان در بین خطوط واژه‌نما استخراج کرد. در نمونه خطوط واژه‌نما در مثال مذکور، این واقعیت که موارد جستجو شده به روزنامه‌های بریتانیا محدود شده بود نیز در نتایج قابل مشاهده است. روزنامه‌ها معمولاً شامل گزارش‌هایی از تصادفات یا سایر انواع اخبار بد هستند، مثل حوادثی که برای افراد مشهور مانند ورزشکاران یا بازیگران اتفاق می‌افتد. الگوی get/give the cold shoulder نیز با این تصویر مطابقت دارد زیرا به نوعی از رویارویی و مواجهه اشاره دارد. علاوه بر این، اشاره به معنای گوشت برای کلمه مورد جستجو (shoulder) در خطوط ۲۳ و ۲۴ با توجه به این واقعیت که روزنامه‌ها شامل بخش‌هایی هستند که با دستور پخت، تهیه و سرو غذا و نوشیدنی سروکار دارند کاملاً قابل فهم و قابل انتظار است. الگوهای موجود در خطوط واژه‌نما تا حدی این دست ویژگی‌های متنی را در انواع متون منعکس می‌کنند.

1. aldo given all clear for Portugal after	shoulder	scare · Real Madrid forward passed
2. he Times Subscribe now Author gets cold	shoulder	from SNP after English 'colonists'
3. cottish Premier League give Celtic cold	shoulder	over Champions League fixture sche
4. shop Kate Moss gives Leon Max the cold	shoulder	at London store opening Supermodel
5. Ice cool Peter Sagan gives rivals cold	shoulder	· Slovakian outfoxes Fabian Cancel
6. chie McCaw ready to give ice baths cold	shoulder	after All Blacks's Twickenham Test
7. ha climate talks: should rich countries	shoulder	'responsibility' for carbon cuts?
8. Vaz TE opts for surgery on dislocated	shoulder	for long-term fix · West Ham forwa
9. man': 6ft 4in thug left with dislocated	shoulder	after attacking ex-boxing champion
10. st two months of 2012 after dislocating	shoulder	snowboarding Paul Casey's hopes of
11. n Previous I Next I Index How to dress:	shoulder	robing This style has been around
12. disclosed that the Queen wears an extra	shoulder	pad on one side to disguise a sli
13. » Road and rail transport Miles of hard	shoulder	opened to cut jams Hard-shoulders
14. ailed over 'hero' PC's death on M1 hard	shoulder	The widow of a policeman killed wh
15. need yoga exercises like the headstand,	shoulder	stand and plough could be dangerou
16. pp Reviews Home» Technology» Apple iPad	shoulder	becomes the latest modern life aff
17. Sport > Tennis Nadal to rest injured	shoulder	Friday 30 December 2011 Tweet Prin
18. Food and Drink» Recipes Roast lamb	shoulder	with summer and autumn vegetables
19. Yotam Ottolenghi's recipes for lamb	shoulder	with broad beans and herbs, plus
20. ood and Drink» Recipes Slow-cooked lamb	shoulder	with sweetcorn and
21. Sport Athletics Yamil^ Aldama: Hope my	shoulder	will be OK for 2012 Olympic trials
22. nnis Djokovic feels hand of history on	shoulder	ahead of battle with Nadal Paul
23. bs Life & style Barbecue Barbecue pork	shoulder,	Carolina style: recipe Barbecue
24. Caf6direct recipes: Slow-roasted pork	shoulder	with spiced apple relish Share
25. s» Christmas food and drink Slow roast	shoulder	of pork recipe Margot Henderson's
26. rs Jobs Life & style Meat Slow roasted	shoulder	of lamb recipe Shoulder tends not
27. ng: Lisa Riley is suffering from 'salsa	shoulder'	Albertina Lloyd Thursday 13
28. t St. George's Day recipe: slow-braised	shoulder	of mutton On chilly days when the
29. Construction and Property UK taxpayers	shoulder	'subsidised stagnation' in housing
30. season after Wales openside referred to	shoulder	specialist Sam Warburton's hopes o
31. for Wales as Ryan Jones sent home with	shoulder	problem · Ospreys back-row forward
32. ngs ruled out of South Africa tour with	shoulder	injury England's dismay at losing
33. cs: Ben Swift out of Giro d'Italia with	shoulder	injury as he suffers Games blow B
34. t of autumn Test against Argentina with	shoulder	injury Wales back-rower Ryan Jones
35. an Jones will miss Argentina match with	shoulder	problem · We took the decision out

شکل ۲ نمونه خطوط واژه نما برای کلمه **shoulder** بازایی شده بوسیله **WebCorp Live**

رابطه بین الگوهای کلمات و انواع متون فقط محدود به تحقیقات پیکره‌ای که با نمونه‌های خطوط واژه‌نما ارائه می‌شود نیست، بلکه از سایر روش‌های کمی که به توزیع بسامدهای کلمه یا مقایسه بسامدها می‌پردازد بهره می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، زبان شناسان پیکره‌ای ممکن است علاقه‌مند به بررسی چگونگی تغییر بسامد استفاده از ساختارهای استمراری در طول زمان باشند و یا اینکه آیا مردان و زنان از انواع مختلف عبارات مبهم و نامفهوم استفاده می‌کنند.

ابزارهای مورد استفاده در زبان‌شناسی پیکره‌ای

اگرچه بررسی کامل ابزارهای پیکره‌ای موجود خارج از حوصله این مقاله است، ذکر چند نمونه خالی از لطف نیست. یکی از بسته‌های نرم‌افزاری که اتفاقاً استفاده از آن بسیار هم آسان است نرم‌افزار WordSmith Tools است که توسط مایکل اسکات (۲۰۱۲) تهیه شده است. از ویژگی‌های اصلی آن ارائه فهرست کلمات به‌وسیله ابزار word list، ارائه مجموعه‌ای از خطوط واژه‌نما به‌وسیله ابزار concordance و همچنین ابزاری برای تولید فهرست کلمات کلیدی تحت عنوان key word lists است. نرم‌افزار انت کانک (AntConc) نیز که توسط لارنس آنتونی (۲۰۲۴) تهیه شده است یک گزینه جایگزین رایگان با عملکردهای مشابه برای WordSmith Tools به حساب می‌آید. در حال حاضر ابزار اصلی برای تجزیه و تحلیل حوزه‌های معنایی کلیدی نرم‌افزار WMatrix (ریسون، ۲۰۰۸) است. پیکره‌های مرجع با دسترسی آزاد نیز برای «تطابق متون با پیکره‌ها» توسط لوی (۱۹۹۳) پیشنهاد شده

است، به‌عنوان مثال، پیکره ملی بریتانیا (BNCL) که از طریق درگاه BNCweb قابل دسترسی است و یا پیکره زبان انگلیسی معاصر مورد استفاده در آمریکا (COCA) که یک نسخه وب به همراه دارد. WebCorp Live یکی دیگر از ابزارهای پیکره‌ای برای تحلیل‌های معناشناسی است که همان طور که در مثال shoulder در بالا نشان داده شد از آن می‌توان برای بازیابی داده‌های پیکره از وب استفاده کرد. باید به خاطر داشت که از اصلی‌ترین ضروریات مورد نیاز برای استفاده از روش‌های پیکره‌ای، در دسترس بودن متون الکترونیکی از منابع مفید از قبیل آرشیو متون آکسفورد (OTA) یا پروژه گوتنبرگ است. پروژه گوتنبرگ کتاب‌های الکترونیکی رایگانی را ارائه می‌دهد که با کمک افراد داوطلب دیجیتالی شده‌اند. متون این پروژه در قالب‌های مختلف موجودند. به‌ویژه نسخه‌های متن ساده (plain text) منبع مفیدی برای ایجاد پیکره‌های ادبی فراهم می‌کند.

سبک‌شناسی پیکره‌ای

پژوهش‌های سبک‌شناسی پیکره‌ای، بر استفاده از روش‌های پیکره‌ای برای تحلیل متون ادبی به منظور یافتن رابطه بین توصیف‌های زبانی و درک ظرایف ادبی تأکید ویژه‌ای دارد. (ماهلبرگ، ۲۰۱۴) سبک‌شناسی پیکره‌ای بخشی از حوزه بین‌رشته‌ای بسیار گسترده‌تری تحت عنوان کلی «علوم انسانی دیجیتال» است که با حفظ، مطالعه و دسترسی به مصنوعات بشری اعم از دست‌ساخته‌ها و محصولات دیجیتالی مرتبط است. اصطلاح «سبک‌شناسی پیکره‌ای» برای اولین بار توسط لیچ و شورت (۲۰۰۷): ۲۸۶ با بکار بردن عبارت «دوران پیکره» در سبک‌شناسی مصطلح شد. بایبر (۲۰۱۱: ۲۰) اشاره می‌کند که استفاده از اصطلاح «سبک‌شناسی پیکره‌ای» ممکن است باعث ایجاد چرخشی خاص در روند توسعه تاریخی این حوزه پژوهشی بشود، به گونه‌ای که نگرانی‌های بلاغی مطالعات اخیر مورد تأکید بیشتری قرار بگیرد و این در حالی است که در کارهای قبلی، سبک‌شناسی رایانه‌ای و آماری کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. بایبر (۲۰۱۱) با اشاره به وجود امکان ادغام رویکردهای آماری تحقیقات قبلی با نگرانی‌های کیفی سبک‌شناسی پیکره‌ای اخیر به نکته حائز اهمیتی اشاره می‌کند. با این حال، این بدان معنا نیست که هر بار که از اصطلاح «سبک‌شناسی پیکره‌ای» استفاده می‌شود از مفاهیم بنیادینی که پشتوانه نظری اصول و رویکردهای این حوزه پژوهشی را تشکیل می‌دهد به‌درستی و آگاهانه استفاده شده باشد.

بخشی از اقبالی که این اصطلاح به دست آورده صرفاً به این دلیل است که زبان‌شناسان پیکره‌ای به طور فزاینده‌ای از آن به‌عنوان فرصتی برای بررسی متون ادبی به‌عنوان داده استفاده می‌کنند- به‌ویژه به دلیل وجود تعداد روزافزون متون الکترونیکی در دسترس، سبک‌شناسان از آن بیشتر بهره‌مند می‌شوند. به‌عنوان بخشی از این پیشرفت در کتاب‌های راهنما یا مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی پیکره‌ای شامل بخش‌هایی در باره مطالعه متون ادبی است (به‌طور مثال در اوکیفی و مک کارتی، ۲۰۲۲، فلورودیو، ۲۰۱۲، هانستون، ۲۰۲۲) و کتاب‌های درسی یا آثار مرجع در زمینه سبک‌شناسی، رویکردها و روش‌شناسی پیکره‌ای (به‌عنوان مثال جفریس و مک اینتایر، ۲۰۱۰، لیچ و شورت، ۲۰۰۷، مک اینتایر و باس، ۲۰۱۰) قابل‌ملاحظه است. نکته قابل‌توجه در اینجا این است که هر مطالعه‌ای که خود را برخوردار

از یک مبنای نظری «سبک‌شناسی پیکره‌ای» معرفی کند. شاید درواقع چنان نباشد و به‌درستی اصول پیکره‌ای را بکار نبسته باشد. یکی از جوانب مهم سبک‌شناسی پیکره‌ای این واقعیت است که پژوهشگر باید روش‌ها و اصول را از هر دوشاخه زبان‌شناسی پیکره‌ای و سبک‌شناسی ادبی ترکیب کند.

سبک‌شناسی پیکره‌ای مانند سبک‌شناسی ادبی، به ما امکان می‌دهد تا بر کیفیت یک متن واحد و «کارکرد هنری» آن تمرکز کنیم. (لیچ و شورت، ۲۰۰۷: ۱۱) ویژگی‌های زبانی موجود در متن از لحاظ تأثیراتی که ایجاد می‌کنند و تفسیرهایی که خوانندگان به آن می‌رسند مورد بررسی قرار می‌گیرند. با این حال، توصیف کارکردهای هنری یک متن تا حدی ذهنی است و یک متن می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر خوانندگان مختلف داشته باشد؛ بنابراین تحلیل پیکره‌ای متون ادبی دارای این مزیت است که برای تفسیرهای گوناگون تحلیلگران متفاوت شواهد منظم‌تر و نظام‌مندتری نسبت به روش‌های سنتی ارائه می‌کند. (رجوع کنید به استابز، ۲۰۰۵: ۲۲) این نوع سبک‌شناسی بر جلوه‌های ادبی که یک متن خاص ایجاد می‌کند تأکید دارد. لیچ و شورت (۲۰۰۷) وجود ارتباط این نوع ظرایف ادبی در سبک‌شناسی را از طریق درک مفهوم حلقه فلسفی اسپیتزر (۱۹۴۸) که می‌گوید «ما هر متنی را هم به‌عنوان یک نمونه‌ای از زبان و هم یک اثر هنری می‌بینیم» نمایان می‌سازند. از این رو، «توصیف زبانی» و «درک ظرایف ادبی» در یک تحلیل سبک‌شناسی به‌طور توأمان حاصل می‌شوند. در رویکرد سبک‌شناسی پیکره‌ای، توصیف زبانی می‌تواند با بکار بستن روش‌های پیکره‌ای که امکان بررسی پدیده‌های زبانی را به روش‌های نوین کمی فراهم می‌کند نوآورانه باشد. در دسته‌بندی انواع روش‌های سبک‌شناسی، سیروس شمیسا (۱۳۷۸) بر اساس تعریفی که شارل بالی، پایه‌گذار سبک‌شناسی جدید، ارائه کرده است این نوع سبک‌شناسی را «توصیفی» می‌نامد و روش کار را این‌گونه توصیف می‌کند که «عبارات و جملات و کلمات متحدالمضمون را با هم می‌سنجد و نتیجه می‌گیرد که این عبارات و جملاتی که دارای محتوای یکسان هستند از نظر عواطف و احساسات با یکدیگر فرق دارند.» (ص ۱۱۹)

حلقه سبک‌شناسی پیکره‌ای ماهلبرگ (۲۰۱۳) این رابطه بین توصیف زبانی و درک ظرایف ادبی را با دیدگاه جدید و اضافه شده پیکره‌ای دنبال می‌کند. کارتر (۲۰۱۰: ۶۷) این رویکرد مطالعه متون ادبی را به شرح زیر توصیف می‌کند: تحلیل سبک‌شناسی پیکره‌ای یک روش نسبتاً عینی است که در بهترین حالت توسط فرآیندی نسبتاً ذهنی - تفسیری هدایت می‌شود. در حالی که مفهوم حلقه سبک‌شناسی پیکره‌ای ممکن است در نگاه اول صرفاً یک برجسب‌گذاری بر اصول اساسی روش‌شناسی به نظر برسد اما درواقع به تضادهای موجود بین یک نمونه متن ادبی و ظرایف آن از یک طرف و توصیف کلی‌تری از زبان و عناصر زبانی که یک پیکره زبانی می‌تواند به ارائه آن کمک کند می‌پردازد. همچنین همین تضاد است که شباهت‌ها و تفاوت‌های سبکی را با سبک‌شناسی آماری توصیف می‌کند، همان رویکردی که در حوزه دیجیتال‌ی علوم انسانی شناخته شده است.

هاکی (۲۰۰۴) در بررسی خود از روش‌های رایانه‌ای در علوم انسانی، به نقطه شروع کار پدر روبرتو بو سا اشاره می‌کند. در سال ۱۹۴۹، این کشیش یسوعی ایتالیایی کار بر روی پروژه‌ای را آغاز کرد که فهرستی از

تمام کلمات مورد استفاده در آثار سنت توماس آکویناس و نویسندگان مرتبط که حدوداً یازده میلیون کلمه لاتین قرون وسطایی می‌شود را شامل می‌شد. بوسا همچنین چگونگی استفاده از رایانه در این پروژه را به‌دقت بررسی کرد. او در این اقدام به استفاده از متون ثبت شده بر روی کارت‌های پانچ و نگارش یک برنامه واژه‌نما (بسامدنگار) اشاره می‌کند. پروژه بوسا نشان می‌دهد که یک جنبه مهم کاربرد رایانه در علوم انسانی مدیریت داده‌هاست. در پژوهش‌های سبک‌شناسی عموماً گرایش به استفاده از واژه‌نماها چشمگیر است و این نشان دهنده علاقه پژوهشگر به آثار یک نویسنده خاص است. این تأکید بر شناسایی ویژگی‌های سبکی نویسنده‌های خاص هنوز یک دغدغه اساسی در سبک‌شناسی رایانه‌ای و تکنیک‌هایی که در شناخت سبک بکار می‌روند به حساب می‌آیند. باروز (۱۹۹۷: ۱۸۶) «سبک» را به‌عنوان «هر چیزی که هویت یک نویسنده یا یک مکتب، یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های کاملاً همسان را برجسته کند» تعریف می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از پدیده‌هایی که می‌توانند طبقه‌بندی و شمارش شوند و از این رو ممکن است از طریق سبک سنجی ثبت شوند. چنین تکنیک‌هایی معمولاً بر رایج‌ترین کلمات اعمال می‌شوند. هور (۲۰۰۷: ۱۷۶) اشاره می‌کند که تکنیک‌های سبک سنجی با این پیش‌فرض که بسامد کلمات تا حد زیادی خارج از کنترل آگاهانه نویسنده است به تحلیل متن می‌پردازند. در یک چنین رویکردی اعتقاد بر این است که تکرار و بسامد کلمات ناشی از عادات ناخودآگاه آفریننده متن است و همچون اثر انگشت منحصر به فرد است. بسامد کلمات را می‌توان برای اندازه‌گیری تفاوت‌های متنی یا مجموعه‌هایی از متونی که به نظر می‌رسد از نقطه نظر الگوهای کاربردی کلمات و عبارات دارای بیشترین شباهت هستند بکار برد. چنین تکنیک‌هایی می‌توانند مجموعه‌ای از متون یک نویسنده را شناسایی کنند، می‌توانند نویسنده احتمالی یک متن خاص را تعیین کنند و به ردیابی پیشرفت سبکی یک نویسنده در طول زمان کمک کنند، یا می‌توانند مجموعه‌آثاری که از نظر سبک‌شناسی دارای مشابهت‌ها و یا تفاوت‌هایی هستند را نشان دهند. مطالعه باروز (۱۹۸۷) درباره آثار جین آستین کمک مهمی به سبک‌شناسی رایانه‌ای بود که، برای مثال، تفاوت‌هایی را بین روایت و گفتگو و همچنین ویژگی‌های حد متوسط «سبک‌گفتمان غیرمستقیم آزاد»^۱ نشان داد.

باروز (۲۰۰۴) اهمیت کلیدی سبک‌شناسی رایانه‌ای را در این واقعیت می‌بیند که با این روش طبقه‌بندی و توصیف متون از طریق مقایسه امکان‌پذیر می‌شود. به این ترتیب، سبک‌شناسی رایانه‌ای متفاوت از رویکردهای ادبی است که بر یک اثر واحد تمرکز می‌کنند و در مورد آن با بحث و تحلیل به ویژگی‌های متمایزکننده آن اثر نسبت به سایر آثار برسد. با این وجود، باروز (۲۰۰۴: ۳۴۵) به این نکته اشاره می‌کند که حتی تحقیقاتی که بر روی یک اثر واحد متمرکزند، در نهایت تحقیقاتی تطبیقی هستند که از داده‌های مرجع استفاده می‌کنند، داده‌هایی که در سایه تجارب مطالعاتی شخصی پژوهشگر به دست آمده است. در

۱ در سبک‌شناسی روایت، گفتار آزاد غیرمستقیم یکی از چهار روشی است که برای باز نمود گفتار و اندیشه شخصیت‌ها (گفتمان شخصیت) بکار رفته است که عبارتند از «گفتمان مستقیم»، «گفتمان غیرمستقیم»، «گفتمان مستقیم آزاد» و «گفتمان غیرمستقیم آزاد». این نوع گفتمان «آزاد» است چون وابسته به هیچ جمله پایه‌ای پیش از خود نیست و «غیرمستقیم» است چون عین کلام و اندیشه شخصیت مورد نظر هم نیست یعنی مثل گفتمان مستقیم درون گیومه نیامده است (غفاری و نجومیان، ۱۳۹۱: ۳).

مقابل، سبک‌شناسی رایانه‌ای از داده‌های تطبیقی‌ای استفاده می‌کند که از طریق اطلاعات کمی بر گرفته از متون واقعی به دست آمده‌اند. هور (۲۰۱۳: ۵۱۸) عنصر کلیدی مقایسه و تطبیق را در این‌گونه مطالعات موارد پرتکرار غیرمعمول معرفی می‌کند و تأکید می‌کند که باید از طریق شمارش و مقایسه در بین متون مختلف اعتبار سنجی شود. شمارش و مقایسه نیز در سبک‌شناسی پیکره‌ای که نسبت به سبک‌شناسی رایانه‌ای بر بعد کیفی تأکید بیشتری می‌کند حائز اهمیت است. دقیقاً همین شمارش و مقایسه است که به نظام‌مندی بیشتر در سبک‌شناسی ادبی کمک می‌کند و ظاهراً سبک‌شناسی پیکره‌ای را به روشی جذاب تبدیل کرده است. (ر. ک. استابز ۲۰۰۵)

برای مشاهده تفاوت‌های بین سبک‌شناسی پیکره‌ای - به‌عنوان ترکیبی از زبان‌شناسی پیکره‌ای و سبک‌شناسی ادبی - در ابتدا بهتر است با برخی از اصول اساسی روش شناختی زبان‌شناسی پیکره‌ای آشنا شویم. سپس به چگونگی استفاده از روش‌های پیکره‌ای برای مطالعه متون ادبی خواهیم پرداخت. سپس به پاره‌ای از جنبه‌های عملی این حوزه تحقیقاتی اشاره خواهیم کرد و در پایان به بعضی از چالش‌های پیش روی توسعه و گسترش پژوهش‌های سبک‌شناسی پیکره‌ای اشاره خواهد شد.

روش‌ها و سبک‌شناسی پیکره‌ای

سبک‌شناسی ادبی به کارکرد هنری یک متن و تأثیراتی که متن در ذهن خواننده ایجاد می‌کند می‌پردازد. تمرکز آن بر کاربردهای خاص زبانی است. چنین پیکربندی خاص از اشکال و معانی بهتر است در یک متن یا حتی بریده‌ای از یک متن بررسی شود. (لیچ و شورت، ۲۰۰۷: ۱۱) در اینجا سبک‌شناسی ادبی اساساً مرتبط با خواندن دقیق و موشکافانه متن است. ابزار واژه‌نما که یکی از قابلیت‌های تمامی نرم‌افزارهای پیکره‌ای است می‌تواند برای تجزیه و تحلیل معانی خاص یک متن با بازیابی تمام موارد حادث شده یک فرم برای ردیابی یک معنا یا بسط معانی در سراسر متن بکار رود.

شکل ۳ فهرستی از خطوط واژه‌نمای shoulder را از رمان نیکلاس نیکلی اثر چارلز دیکنز نشان می‌دهد. جایی که shoulder در نقش دستوری اسمی خود چهل بار آمده است. دو الگوی اصلی که به‌واسطه تکرار در خطوط ارائه شده آشکار می‌شود، با خط برجسته مشخص شده است. الگوی looking/looked over..... shoulder عمدتاً بیان می‌کند که شخصیت‌های داستانی چگونه به یکدیگر نگاه می‌کنند. آن‌ها در حالی که حرکت می‌کنند یا از یکدیگر دور می‌شوند از فراز شانه‌هایشان نگاه می‌کنند. در صورتی که هیچ کس دیگری در اطراف شخص نباشد، «یک نگاه رو به عقب از فراز شانه‌ها» بیانگر آن است که شخصیت داستان چنان با عجله دور می‌شود که گوئی کسی دنبالش می‌کند. علاوه بر این، شخصیت‌ها همیشه از روی شانه‌های خود نگاه نمی‌کنند، بلکه گاهی اوقات از روی شانه‌های شخص دیگری نگاه می‌کنند - به‌عنوان مثال در خط ۸، جایی که تیم لینکین واتر از بالای شانه نیکلاس زمانی که برای اولین بار شروع به نوشتن در کتاب برادران چیربیل می‌کند نگاه می‌کند. الگوی laid/laying his hand (up)on.... shoulder به نظر می‌رسد که به‌وضوح با یک مورد خاص مرتبط است به این معنی که در بیشتر موارد این نیکلاس است که دست خود را روی شانه کسی می‌گذارد

و در تمامی این موارد این الگو بیانگر دو ستی و صمیمیت بین افراد پیرامون نیکلاس است. این دو ستی در تضاد با سردی رالف نیکلیبی است. (ماهلبرگ ۲۰۱۳، ص ۱۷۷) استتتا در خط ۴۰ است که در آن گذاشتن دست بر روی شانه‌ها به درخواست دریافت کمک فیزیکی از شخص دیگری اشاره دارد.

1. ad to see the cloth laid. 'We have but a shoulder of mutton with onion sauce, *
 2. Kate, throwing herself on her brother's shoulder, 'do not say so. My dear broth
 3. eman, laying his hand upon his brother's shoulder, 'that I came to you in mercy,
 4. followed by SMIKE with the bundle on his shoulder (he carried it about with him
 5. SMIKE once again with the bundle on his shoulder trudging patiently by his side
 6. as, as the brown bonnet went down on his shoulder again, 'this is more serious t
 7. who had been looking anxiously over his shoulder, 'can this be really the case?
 8. He had turned away, and looked over his shoulder to make this last reply. The e
 9. eggs nearest Nicholas, looked over his shoulder in breathless anxiety. Brother
 10. observed the coachman, looking over his shoulder at Nicholas with no very pleas
 11. y with great alacrity; looking over his shoulder every instant, to make quite c
 12. a blind man; and looking often over his shoulder while he hurried away, as thou
 13. ntomime collection, and pointed over his shoulder. 'You don't mean the infant ph
 14. on his feet, and a bugle slung over his shoulder like the guard of a long stage
 15. er, retired; looking stealthily over his shoulder at Ralph as he limped slowly o
 16. n. 'He broke a leg or an arm, or put his shoulder out, or fractured his collar-b
 17. the old man, and laying her arm upon his shoulder; 'I do not mean to be angry an
 18. friend. Nicholas laid his hand upon his shoulder. 'I can't do it,' said the dej
 19. said Nicholas, laying his hand upon his shoulder: 'it was the wrong servant too
 20. oined Nicholas, laying his hand upon his shoulder; 'and if I did, I have neither
 21. rother Charles, laying his hand upon his shoulder, bade him walk with him, or Ni
 22. said Nicholas, laying his hand upon his shoulder. 'Be a man; you are nearly one
 23. oes it not?' Kate sunk her head upon his shoulder, and sobbed out 'Yes.' 'And he
 24. t cloak, worn theatrically over his left shoulder, stood by, in the attitude of
 25. s as though in armour; and over his left shoulder he wore a short dusky cloak, w
 26. ings of a mother, and fell upon the left shoulder of Mr Kenwigs dissolved in tea
 27. id Nicholas, laying his hand on Newman's shoulder. 'Before I would make an effor
 28. a green veil attached, on Mr Nickleby's shoulder. 'This foolish faintness!' 'Do
 29. this compliment, but looked over Ralph's shoulder for an instant, (he was adjust
 30. , or the green gauze scarf worn over one shoulder and under the other; or any of
 31. d, and under the leg, and over the right shoulder, and over the left; and when t
 32. d Nicholas, grasping him heartily by the shoulder, 'shall never be said by me, f
 33. embracer's laying his or her chin on the shoulder of the object of affection, an
 34. lapping the capitalist familiarly on the shoulder. 'By- the-bye, what a VERY rem
 35. said the old man, laying his hand on the shoulder of Nicholas, and walking him u
 36. hilly), walked in, and tapped her on the shoulder. 'Well, my Slider,' said Mr Sq
 37. oy,' retorted Noggs, clapping him on the shoulder. 'I HAVE seen her. You shall s
 38. aid this gentleman, smiting Ralph on the shoulder. 'Not yet,' said Ralph, sarcas
 39. r, he thrust in his arm nearly up to the shoulder, and slowly drew forth this gr
 40. that she actually laid her hand upon the shoulder of the manageress for support.

شکل ۳ تمامی ۴۰ بار کاربرد کلمه **shoulder** در رمان نیکلاس نیکلیبی (پروژه متون الکترونیکی گوتنبرگ).

www.gutenberg.org

تجزیه و تحلیل مثال **shoulder** در رمان نیکلاس نیکلیبی نشان می‌دهد که چگونه مجموعه‌ای از خطوط واژه‌نما تکرارها و در نتیجه الگوهای معنایی را که در سراسر متن بکار رفته‌اند نشان می‌دهد. در مطالعه یک متن به شیوه معمول و متداول به‌واسطه وجود فاصله بین موارد وقوع کلمه مورد جستجو، خوانندگان ممکن است به راحتی متوجه چنین پیوندهایی بین بخش‌های مختلف یک متن نباشند. همچنین باید به خاطر داشت که برای اینکه فهرست واژه‌نمای مستخرج از متن بتواند هریک از الگوهای نهفته در آن را آشکار کند باید تعدد و بسامد کلمه در متن (پیکره مورد تحلیل) به اندازه کافی تکراری و پربسامد باشد. یکی از سؤالات مطرح در تجزیه و تحلیل‌های سبک‌شناسی پیکره‌ای این است که چه کلماتی را برای جستجو در فهرست‌های واژه‌نما می‌توان به‌عنوان بهترین گزینه‌ها به‌حساب آورد -

به‌خصوص اگر الگوهای آن‌ها به طور خاص قابل توجه نباشد. قبل از پاسخ به این سؤال به استفاده از یک نمونه از خطوط واژه‌نما که لوو (۱۹۹۷) برای تحلیل سبک و بسط مفهوم «طنین معنایی»^۱ آورده است و ماهلبرگ (۲۰۱۳) به ارائه خلاصه‌ای از آن پرداخته توجه کنید.

طنین معنایی یک واحد واژگانی به معنای ارزشی یا نگرشی پیرامون واژه اشاره دارد. طنین معنایی لزوماً از طریق تکرار صوری کلمه که در برگیرنده هم‌آیندها و ترکیبات آن کلمه باشد شکل نمی‌گیرد. بلکه از طریق الگوهای متنوع و پرتکراری که در یک واژه‌نما نشان دهنده وجود برخی معانی مثبت و منفی است و همچنین نشان دهنده معنای ارزشی مرتبط با کلمه مورد جستجو (گره) هستند شکل می‌گیرد. سینکلر (۲۰۰۴) طنین معنایی را جزء لازم یک واحد واژگانی که نقش آن را توضیح می‌دهد تعریف می‌کند. لوو (۱۹۹۷) استدلال می‌کند که مفهوم طنین معنایی ابزار مفیدی را به تحلیل سبک‌شناسی می‌افزاید زیرا می‌تواند به توضیح کاربردهای خلاقانه یا غیرعادی کلمات که در نتیجه آن جلوه‌های خاص ادبی را در پی دارد کمک کند. کاربرد یک کلمه در یک مثال متنی را می‌توان توسط ارتباط معنای آن کلمه در مثال مورد بررسی تحلیل کرد و الگوهای معمول و متداول یک پیکره بزرگ عمومی را که در آن طنین معنایی یک کلمه قابل شناسایی است شناخت. این نوع مقایسه همان چیزی است که لوو (۱۹۹۳: ۱۶۱) از آن به‌عنوان «تطبیق متون با پیکره‌ها» یاد می‌کند. از جمله نمونه‌های او تحلیلی از شعر لارکین به نام «روزها» است که لوو آن را با کمک طنین معنایی کلماتی که با days are هم‌آیندی دارند تحلیل می‌کند. او متوجه می‌شود که days are معمولاً با کلماتی مانند gone, over, و past همراه می‌شود. در حالی که days are با یک احساس مالخویلیایی (یاس و ناامیدی) همراه می‌شود.

اگرچه هوی (۲۰۰۷) از اصطلاحات مختلفی در شکل‌دهی نظریه زمینه‌سازی واژگانی^۲ خود بهره می‌جوید، از روش مشابهی برای مقایسه کاربردهای خاص در مثال‌های متنی که دارای الگوهای عمومی‌تر در پیکره‌های مرجع هستند نیز استفاده می‌کند. رویکرد «تطبیق متون با پیکره‌ها» با تأکید هوی

۱ طنین معنایی که در برابر semantic prosody در زبان فارسی بکار گرفته شده است یکی از جدیدترین مفاهیمی است که زبان‌شناسان پیکره‌ای با تحلیل کلام به وجود آن پی برده‌اند. این مفهوم توانسته است توجه زبان‌شناسان زیادی را به خود جلب کند و تبدیل به یکی از مفاهیم مهم در زبان‌شناسی گردد. در واقع می‌توان گفت که مطالعه طنین معنایی به وسیله پیکره‌زبانی امکان‌پذیر است، زیرا برای بررسی آن به حجم عظیمی از داده‌ها نیاز است که می‌تواند توسط پیکره‌زبانی در اختیار پژوهشگر قرار گیرد (حسینی معصوم، ۱۳۹۱). قابل ذکر است در برخی منابع از «عروض معنایی» در برابر semantic prosody نیز استفاده شده است (نک. موسوی و عموزاده، ۱۳۹۸: ۲۱۲).

۲ Theory of lexical priming

نگارنده در منابع فارسی معادلی که از طرف پژوهشگران و صاحب‌نظران زبان‌شناسی ارائه شده باشد نیافت. بدین ترتیب، براساس آنچه هوی در پیشگفتار کتاب خود آورده است معادل «نظریه زمینه‌سازی واژگانی» برای Theory of lexical priming پیشنهاد می‌شود. «نظریه زمینه‌سازی واژگانی» (مایکل هوی، ۲۰۰۵) یک نظریه جدید واژگانی است که به یک برداشت کاملاً جدید از زبان بر اساس نحوه استفاده از کلمات منتج شده است. در این نظریه لغات به تعاریفی که در لغت نامه‌ها برای آنها ارائه شده است محدود نمی‌شوند بلکه با کلمات دیگری که در الگوهایی که بطور متداول در تعامل هستند (مثل هم‌آیندها، مترادف‌ها و متضادهای غیره) تعریف می‌شوند. نظریه‌های کلاسیک دستور محور (برگرفته از زبان‌شناسی ساختارگرا و زبانشناسی) معتقد است که ابتدا دستور زبان شکل می‌گیرد و سپس کلمات در جایگاه‌های دستوری ایجاد شده‌ای می‌گیرند. نظریه هوی (منبعث از زبان‌شناسی نقش‌گرای هیلیدی) نقش‌های واژگان و دستور زبان را با این استدلال که واژگان ساختاری پیچیده و سیستماتیک دارد و دستور زبان نتیجه این ساختار واژگانی است معکوس می‌کند. او نشان می‌دهد که پدیده هم‌آیندی (collocation)، ویژگی زبان که به موجب آن دو یا چند کلمه اغلب در کنار یکدیگر ظاهر می‌شوند (به عنوان مثال، «حتمی» و «نتیجه»)، سرنخی از نحوه سازماندهی واقعی زبان ارائه می‌دهد. هوی با استفاده از شواهد آماری ملموس و بدست آمده از یک پیکره‌ی روزنامه‌های انگلیسی و متون ادبی استدلال می‌کند که در شکل‌گیری هر رخداد زبانی، کلمات «زمینه‌ساز» هستند. هر آنچه در مورد یک کلمه می‌دانیم محصول مواجهه ما با آن کلمه است. این دانش توضیح می‌دهد که چگونه گویشوران یک زبان موفق می‌شوند در استفاده از زبان روان، خلاق و طبیعی باشند. نظریه زمینه‌سازی واژگانی نظریه‌ای اثربخش و بسیار جالب توجه است. چارچوبی دقیق اما در دسترس برای مطالعه زبان ارائه می‌دهد. برای هر کسی که در رشته زبان‌شناسی پیکره‌ای فعالیت دارد یا علاقه مند به درک چگونگی استفاده ما از لغات است ضروری است (هوی، ۲۰۰۵: پیش‌گفتار).

بر نیاز به متنی کردن موارد کاربردی غیرمعمول به‌وسیله شمارش و مقایسه هم‌راستاست. (به مطلب فوق مراجعه کنید) با این حال، در خصوص تحلیل خطوط واژه‌نما باید تأکید کرد که توجه و تمرکز بر یافتن نقش‌ها و الگوهای کاربردی است و مشخصه‌های آماری و تکرار وقوع کلمات از اهمیت خاصی برخوردار نیست. اطلاعات پس‌زمینه کاربردهای معمولی که یک پیکره مرجع بزرگ ارائه می‌کند را می‌توان تا حدودی به‌عنوان تقریبی از تجربه زبانی دانست که خوانندگان ممکن است برای یک متن به‌ارمغان بیاورند. با این حال، با توجه به چنین مقایسه پیکره‌ای، دیلون (۲۰۰۶) اشاره می‌کند که اطلاعات کمی فقط می‌تواند به ارزیابی اینکه کاربرد یک کلمه در یک معنای خاص چقدر رایج و معمول بوده است کمک کند. یک چنین مقایسه‌ای نمی‌تواند درباره میزان استفاده «ماهرانه و ظریف» کلمات و عبارات در یک متن به نتیجه قطعی برسد. این نوع ارزیابی فقط باید توسط خواننده انجام شود.

برای شناسایی کلمات به‌عنوان نقطه شروع تجزیه و تحلیل خطوط واژه‌نما، اساساً دو گزینه اصلی وجود دارد. در ابتدا تجزیه و تحلیل سبک‌شناسی به روش دستی انجام می‌شود که به‌وسیله آن می‌توان کلماتی را که در تحلیل‌های پیکره‌ای مورد توجه قرار داد شناسایی کرد. از این منظر، داده‌های پیکره‌ای می‌توانند شواهد تکمیلی‌ای را ارائه دهند که از مفاهیم موجود پیش‌زمینه پشتیبانی کنند. اگر تمرکزی بر کلمات یا الگوهای از قبل تعیین شده‌ای وجود ندارد، روش‌های پیکره‌ای می‌توانند به شناسایی کلمات بالقوه مرتبط کمک کنند. یکی از این روش‌های پیکره‌ای رویه کلیدواژه است، کلمات کلیدی کلماتی هستند که به طور قابل توجهی در یک متن در مقایسه با متن یا پیکره مرجع دیگری فراوانتر هستند. اهمیت تفاوت در بسامد بین متن مورد تحلیل و متن پیکره مرجع از طریق معیارهای آماری ارزیابی می‌شود. کلمات کلیدی معمولاً اسامی خاص یا کلمات محتوایی هستند که نشانه‌ای از موضوع متن ارائه می‌دهند. علاوه بر این، کلمات دستوری می‌توانند به‌عنوان کلید ظاهر شوند. کلمات دستوری معمولاً موارد واژگانی با بسامد بالا هستند و کلیدی بودن چنین مواردی با سودمندی آن‌ها در تعیین سبک نگارش مرتبط است. این بدان معناست که در این روش تحلیل سبکی رفتار رایج‌ترین کلمات به‌عنوان ویژگی‌هایی برای توصیف سبک به حساب می‌آید.

مطالعات سبک‌شناسی پیکره‌ای که با تولید فهرستی از کلمات کلیدی متن مورد مطالعه شروع می‌شوند، نیازمند تعیین معیارهایی برای انتخاب کلمات کلیدی هستند. این کلمات کلیدی پس از فهرست شدن با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار می‌گیرند. در همین راستا گام اولیه، همان‌طور که فیشر-استارک (۲۰۰۹) نشان داده است، می‌تواند شناسایی گروه‌هایی از کلمات کلیدی با تمرکز بر مقوله‌های معنایی یا حوزه‌های معنایی باشد. برای مطالعات سبک‌شناسی پیکره‌ای که به دنبال پیوند بین دغدغه‌های ادبی و زبان‌شناختی هستند، جستجو برای پیوندهایی با استدلال‌های انتقادی ادبی قابل هدایت و کنترل است. به‌عنوان مثال، ماهلبرگ و اسمیت (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که چگونه در مان غرور و تعصب اثر جین آستین کلمات کلیدی را می‌توان به دغدغه‌های موضوعی مرتبط کرد. آن‌ها کلمه کلیدی civility (مدنیت) را که به ملاحظات منتقدان ادبی و همچنین به یافته‌های زبان‌شناختی پیکره‌ای در مورد

الگوهای زبان بدن مربوط می‌شود. مطالعه می‌کنند. تولان (۲۰۰۹) نشان می‌دهد چگونه کلمات کلیدی را می‌توان از نقطه نظر نقشی که در ایجاد بافت بازی می‌کنند تفسیر کرد. تولان با تمرکز بر داستان کوتاه، به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه کلمات کلیدی برتر می‌توانند روشی برای تلخیص داستان ارائه دهند. او متوجه می‌شود که کلمات کلیدی برتر و جملاتی که این کلمات در آن‌ها آمده‌اند به داستان مرتبط‌تر و منسجم‌ترند و نسبت به سایر بخش‌های داستان از پیوستگی بیشتری بهره می‌برند. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه جملات کلیدی اصلی یکی از عناصری هستند که نشانه پیشرفت متنی هستند. مقایسه «کلیدی بودن» تنها به کلمات کلیدی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند برای واحدهای دیگری مانند خوشه‌ها نیز اعمال شود.

بازیابی حیطه‌های معنایی کلیدی بسیار شبیه به تولید کلمات کلیدی است. حوزه‌های معنایی کلیدی را می‌توان با ابزار WMatrix (ریسون ۲۰۰۸) شناسایی کرد. این ابزار با اختصاص یک برچسب معنایی به تمامی کلمات در متن شروع می‌کند. نمونه‌هایی از حوزه‌های معنایی (که هر یک دارای زیرمجموعه‌هایی هستند) عبارتند از «اصطلاحات عمومی و انتزاعی»، «اعداد و اندازه‌گیری‌ها» یا «کنش‌ها، وضعیت‌ها و فرآیندهای اجتماعی». (برای جزئیات بیشتر در مورد مجموعه برچسب‌های معنایی به <http://ucrel.lancs.ac.uk/usas> مراجعه کنید) این مقایسه کلیدی بر تفاوت‌های موجود در بسامد برچسب‌ها تمرکز دارد و به این ترتیب دامنه‌های معنایی را که به‌طور نسبی کثرت بیشتری دارند شناسایی می‌کند. کالپیر (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که چگونه اطلاعات حوزه‌های معنایی کلیدی می‌تواند تجزیه و تحلیل کلمات کلیدی رومئو و ژولیت شکسپیر را ضمن مقایسه گفتار تک‌تک شخصیت‌ها تکمیل کند. نمونه‌های بیشتری از مطالعات سبک‌شناسی پیکره‌ای که کلمات کلیدی و حوزه‌های معنایی کلیدی را بررسی می‌کنند عبارتند از آرچر و بوسفیلد (۲۰۱۰) که گفتار شخصیت‌ها را در شاه لیر بررسی می‌کنند، یا مک اینتایر (۲۰۱۰) که به تمایزات شخصیت‌ها در فیلم‌نامه سگ‌های انباری می‌پردازد. (ماهلبرگ، ۲۰۱۴)

همان‌طور که مطالعه تولان (۲۰۰۹) در مورد نشانه‌های پیشرفت و گسترش متن نشان می‌دهد، ارزش یک مقایسه کلیدی می‌تواند فراتر از انتخاب کلمات برای تجزیه و تحلیل دقیق‌تر باشد. ماهیت کلمات کلیدی و حوزه‌های معنایی کلیدی نیز پرسش‌های بیشتری را در مورد وضعیت تئوریک واحدهای کلیدی و ویژگی‌های بنیادین الگوهای واژگانی در متون ادبی ایجاد می‌کند. ماهلبرگ و مک اینتایر (۲۰۱۱) برای رمان کازینو رویال اثر ایان فلمینگ، یک طبقه‌بندی کلی از کلمات کلیدی که بین دنیای تخیلی و نشانه‌های موضوعی تمایز قائل می‌شوند ارائه کردند. کلمات کلیدی دنیای تخیلی به‌عنوان عناصر جهان ساز عمل می‌کنند و از نشانه‌های موضوعی که در معرض طیف وسیعی از تفسیرها هستند یا تمایل به داشتن معانی ارزشی یا استعاری دارند ملموس‌تر هستند. ماهلبرگ و مک اینتایر (۲۰۱۱) نشانه‌های موضوعی را به این دلیل که باعث تلاش تفسیری از سوی خوانندگان می‌شوند، کلمات کلیدی «خواننده

محور» می‌نامند، در حالی که کلمات کلیدی دنیای تخیلی را بر حسب ارجاع آن‌ها به شخصیت‌ها، اشیاء ملموس و مکان‌های دنیای تخیلی «متن-محور» تفسیر می‌کنند.

مفاهیم کلیدی در سبک‌شناسی پیکره‌ای

علاوه بر ارائه داده‌های کمی برای مقوله‌های زبانی، تحقیقات زبان‌شناسی پیکره‌ای همچنین مقوله‌های جدیدی را برای توصیف پدیده‌های زبانی مانند با هم‌آبی، طنین معنایی یا کلمات کلیدی اضافه کرده است. مفهوم دیگری که در مطالعات متون ادبی به کار رفته است «خوشه‌واژگانی» یعنی توالی کلماتی که مکرراً اتفاق می‌افتد است. خوشه‌ها نیز تحت عنوان "n-gram" نامیده می‌شوند که در آن n تعداد کلماتی را که به طور مکرر تکرار می‌شوند مشخص می‌کند. استارک (۲۰۰۶) خوشه‌های ۳ کلمه‌ای را در رمان ترغیب اثر جین آستین بررسی کرده و بر ۲ خوشه ۳ کلمه‌ای بسیار پر بسامد یعنی 'she could not' و 'she had been' تمرکز کرده است. استارک همچنین به ساختارهای ۳-قاب (خوشه‌های ۳ کلمه‌ای همراه با یک جزء متغیر که به اصطلاح *wild card نامیده می‌شود) مانند ساختار ۳ قاب 'the * of' توجه کرده است. یافته‌های استارک (۲۰۰۶) شامل الگوهایی است که به فضای رمان مربوط می‌شود یا منعکس‌کننده روابط بین شخصیت‌هاست.

اصطلاح «بسته‌های واژگانی» که توسط بایبر و همکاران (۱۹۹۹) بکار برده شد نیز با مفهوم خوشه‌واژگانی مرتبط است. بسته‌های واژگانی همچنین توالی‌های تکراری کلمات اشاره می‌کنند. برای بحث دقیق در مورد این مفاهیم به ماهلبرگ (۲۰۱۳) رجوع کنید. فراوانی بسته‌های واژگانی در متون، بازتابی است از نقش‌های متنی که ایفا می‌کنند. ویانا و همکاران (۲۰۰۷) با استفاده از دسته‌بندی نقش‌های بسته‌های واژگانی که توسط بایبر و همکاران (۲۰۰۴، ۱۹۹۹) ارائه شده است دو متن ادبی را از لحاظ بسته‌های واژگانی آن‌ها مقایسه کرده‌اند. ویانا و همکاران به ترجیحات خوانندگان واقعی متون مقدس و مذهبی و یا غیرمذهبی علاقه نشان داده‌اند و به مقایسه رمان رمز داوینچی اثر دن براون و رمان دن کاسمورو نوشته ماشدو د آسیس پرداختند. در رمان دن کاسمورو تنوع بیشتری در استفاده از بسته‌های واژگانی پیدا شد، در حالی که استفاده از بسته‌های واژگانی در رمان رمز داوینچی نسبتاً تکراری به نظر می‌رسد. ویانا و همکاران کاربرد الگوهای تکراری‌تر را نشانه‌ای از استفاده کمتر خلاقیت در زبان تفسیر می‌کنند که دنبال کردن آن نیز آسان‌تر است و البته ممکن است یکی از عوامل مؤثر در محبوبیت رمان دن براون باشد. با این حال، تفسیر و برداشت یافته‌ها باید این واقعیت را نیز در نظر بگیرد که رمز داوینچی ترجمه پرتغالی برزیلی از متنی است که در اصل به زبان انگلیسی نوشته شده است.

یکی دیگر از مفاهیم زبان‌شناسی پیکره‌ای که می‌تواند در سبک‌شناسی ادبی مفید فایده واقع شود مفهوم «نقش‌های متنی محلی» است. نقش‌های متنی محلی معانی واحدهای واژگانی در متن را در بر می‌گیرند. این نقش‌ها محلی هستند زیرا نقش‌هایی که توصیف می‌کنند فقط به واحدهایی خاص در متونی خاص مربوط می‌شوند. ماهلبرگ (۲۰۰۵، ۲۰۰۷، ۲۰۱۳) با تمرکز بر داستان‌های دیکنز، نشان داده است که چگونه می‌توان خوشه‌ها را بر حسب واحدهای ساختاری متنی تفسیر کرد. نقش‌های متنی محلی که با

خوشه‌ها در ارتباط هستند به توصیف معانی در دنیای تخیلی کمک می‌کنند. حیطه نقش‌هایی که توسط خوشه‌های ۵ کلمه‌ای در دیکنز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند شامل نام‌گذاری شخصیت‌ها و مضامین، تعامل بین شخصیت‌ها از طریق گفتار، زبان بدن، نظر راوی و ارجاعات زمان و مکان هستند. با نگاهی دوباره به مثال ارائه شده در شکل ۲، مجموعه خطوط واژه‌نمایی را ملاحظه می‌کنید که شامل نمونه‌هایی از خوشه ۵ کلمه‌ای 'his hand upon his shoulder' است. این خوشه‌ها به یکی از دو الگوی اصلی شناخته شده تعلق دارند که با استفاده از خطوط واژه‌نما برای عبارت 'laid/laying his hand (up) on shoulder' در رمان نیکلاس نیکلیبی استخراج شده‌اند.

بررسی خوشه‌های ۵ کلمه‌ای در رمان‌های دیکنز نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از خوشه‌ها وجود دارد که به زبان بدن اشاره دارند. نقش‌های مرتبط با این خوشه‌ها را می‌توان بیشتر در قالب نقش‌های «برجسته‌سازی» و «بافت‌سازی» توضیح داد. نقش‌های برجسته‌سازی تأکید ویژه‌ای بر توصیف زبان بدن دارد و بیشتر به آن نوع از زبان بدن تمایل دارند که متداول‌ترند و یا آن‌چنان چشمگیرند که ویژگی تمایزدهنده بین نقش‌های یک شخصیت را نمایان می‌سازند. به‌عنوان نمونه، خوشه 'and his nose came down' در رمان نیکلاس نیکلیبی بیشتر نقش بافت‌سازی دارد تا نقش برجسته‌سازی. نقش‌های بافت‌سازی ممکن است برای بیش از یک شخصیت در یک رمان به وجود آید. این‌گونه نقش‌ها اغلب همراه با اطلاعاتی بیشتر و از زبان شخصیت نمود پیدا می‌کنند. به‌عنوان نمونه شکل ing- در کلمه laying منعکس‌کننده همین نوع نقش (بافت‌سازی) از طریق زبان بدن است. اگر چه نقش‌های بافت‌سازی ممکن است به شناسایی واضح ویژگی‌های شخصیت کمک نکنند، اما همچنان در شناسایی ویژگی‌های شخصیت و نشان دادن اثرات زبان بدن مؤثرند. به نظر می‌رسد که خوانندگان ادبیات داستانی آگاهی کمتری نسبت به الگوهای بافت‌سازی (contextualising patterns) دارند و این در حالی است که با نقش‌های برجسته‌سازی (highlighting functions) آشنا ترند. از این رو، روش پیکره‌ای در استخراج خوشه‌ها کمک قابل‌توجهی به روش متن محور در ارائه زبان بدن در ادبیات می‌کند. (ماهلبرگ، ۲۰۱۳) همان‌طور که در سطور بالا مطرح شد یکی از مواردی که همواره ذهن پژوهشگران سبک‌شناسی را که از روش‌های پیکره‌ای استفاده می‌کنند به خود معطوف می‌کند این است که چگونه باید عناصر زبانی مفید برای تجزیه و تحلیل خطوط واژه‌نما را تشخیص داد، فهرست کرد و یا به دنبال مختصات آماری آن بود. در مثال زبان بدن درمی‌یابیم که چگونه می‌توان قبل از تجزیه و تحلیل واژه‌نمای کلماتی که در چنین خوشه‌ای ظاهر می‌شوند و می‌توانند با اضافه کردن جزئیات به الگوهای مرتبط با نقش‌های متنی کمک کنند از خوشه‌ها برای شناسایی گروه‌های مختلف که از نظر نقش و عملکرد مرتبط‌اند استفاده کرد.

چند توصیه عملی

قبل از شروع هر نوع تحلیل سبک‌شناسی پیکره‌ای کسب مهارت‌های اولیه برای کار با ابزارهای تجزیه و تحلیل داده‌های پیکره‌ای لازم و ضروری است. همچنین از نکات حائز اهمیت در این نوع بررسی‌ها مقایسه

یک الگوی خاص یا یک متن خاص با داده‌های مرجع (پیکره) است. در مجموعه‌ای از رمان‌های دیکنز، دو مورد (his hand to his forehead) و (his hands in his pockets) در میان خوشه‌های ۵ کلمه‌ای نسبتاً پرتکرار مشاهده می‌شوند. برای تجزیه و تحلیل این که چگونه این خوشه‌ها می‌توانند در ایجاد شخصیت‌های داستانی کمک کنند گام‌های زیر را در نظر داشته باشید:

۱ با مطالعه خوشه‌های واژگانی در مجموعه‌ای از رمان‌های دیکنز شروع کنید. برای این کار به راحتی می‌توانید چنین مجموعه‌ای را با دانلود متون از وبسایت پروژه گوتنبرگ تهیه کنید. از ابزارهایی نظیر WordSmith Tools و یا AntConc برای تهیه مجموعه خطوط واژه‌نما و به نمایش گذاشتن خوشه‌های واژگانی استفاده کنید. سپس با مرتب‌سازی خطوط بر اساس دو، سه و یا تعداد بیشتری از کلمات قبل و بعد از کلمه کلیدی (گره) می‌توانید به یک الگوی پرکاربردی که در متن به‌طور تکراری بکار رفته است برسید. برای خود این سؤال را مطرح کنید که آیا می‌توانید نمونه‌هایی را شناسایی کنید که در آن خوشه‌ها دارای نقش زمینه‌سازی داشته باشند و یا مثال‌هایی را بیابید که نقش برجسته‌سازی دارند؟

۲ هنگامی که از نقش کاربردی خوشه‌های واژگانی در دیکنز آگاهی نسبی به دست آوردید، همین خوشه‌ها را در یک پیکره مرجع از نویسنده دیگری بررسی کنید. در اینجا باز هم می‌توانید، از پروژه گوتنبرگ برای تهیه چنین پیکره مرجعی استفاده کنید. هنگامی که به مقایسه بسامدها در دو پیکره می‌پردازید حتماً به این مسئله توجه کنید که پیکره‌ها ممکن است اندازه‌های متفاوتی داشته باشند، بنابراین باید با بسامدهای نرمال شده به امر مقایسه پردازید.

۳ در نهایت، از WebCorp Live برای بازایی نمونه‌هایی از خوشه‌ها در روزنامه‌های قطع بزرگ یا برود شیت بریتانیا استفاده کنید. در سامانه WebCorp Live از گزینه «Advanced Options» برای دستیابی به این روزنامه‌ها استفاده کنید. ملاحظه خواهید کرد که پیدا کردن تنها یک خط واژه‌نمای مرتبط در هر صفحه وب تا چه حد مفید است.

۴ با نگاهی به خوشه‌ها، اکنون تحلیل خود را نسبت به الگوهای زبانی مربوط به اسم‌های مرتبط با قسمت‌های بدن مثل شکل‌های جمع و مفرد "hand" و "hands" و "forehead" که در خوشه‌ها دیده می‌شوند بسط و گسترش دهید. چه الگوهای دیگری را می‌توانید در اطراف این اسم‌ها پیدا کنید؟ آیا تفاوتی بین این سه پیکره از مرحله ۱ تا ۳ وجود دارد؟

نتیجه‌گیری

سبک‌شناسی پیکره‌ای می‌تواند هم روش‌ها و هم مفاهیم توصیفی را به انواع پژوهش‌های سبک‌شناسی ادبی اضافه کند که به همین سبب باید این رویکرد را در حوزه گسترده‌تر علوم انسانی دیجیتال قرار داد. اگرچه روش‌های سبک‌شناسی پیکره‌ای ارتباط نزدیکی با روش‌های بکار رفته در سبک‌سنجی و آمار کمی دارد، به منظور هدایت و تفسیر تحلیل‌ها و نتایج به دست آمده بر برداشتهای کیفی نیز تأکید داشته است. سبک‌شناسی پیکره‌ای همچنین به رابطه بین تحلیل زبان‌شناسانه و ادراکات ادبی می‌پردازد. البته روش‌های اصلی پیکره‌ای بر مقایسه و کمی‌سازی متون ادبی تأکید بیشتری می‌کند؛ بنابراین، این مسئله

مهمی است که در نظر داشته باشیم انگیزه انجام تحقیقات سبک‌شناسی پیکره‌ای به‌واسطه وجود مجموعه‌های متون در دسترس و یا نرم‌افزارهایی که به‌سادگی در دسترس خواهند بود به وجود نیامده است. تهیه یک مجموعه از خطوط واژه‌نما از یک متن خاص و یا ایجاد فهرستی از کلمات کلیدی یک متن در صورتی که در پی یافتن پاسخی به یک سؤال تحقیقی نباشد به خودی خود روش تحقیقی مفیدی نیست. بکارگیری روش‌های پیکره‌ای بدون ارتباط با زمینه‌های نظری مرتبط با مسائل تفسیر و تحلیل همواره با خطر مشاهده ساده‌لوحانه و خالی از بصیرت علمی یک متن روبرو خواهد شد. یکی از چالش‌های آینده سبک‌شناسی پیکره‌ای شناسایی سؤالات پژوهشی‌ای است که با استفاده از روش‌های پیکره‌ای می‌توان به آن‌ها پرداخت، روش‌های نوآورانه‌ای که فراتر از آن چیزی است که یک تحلیلگر انسانی قادر به انجام آن است. چنین سؤالات پژوهشی ممکن است در سایه شکل‌گیری مفاهیم توصیفی‌ای که زبان‌شناسی پیکره‌ای به مجموعه مفاهیم توصیف زبان‌شناختی از قبیل هم‌آیندها، طنین معنایی، نقش‌های متنی محلی افزوده است شکل بگیرند. در عین حال پرسش‌هایی که به‌واسطه پیشرفت روش‌های نوین و ابزارهای سبک‌شناسی پیکره‌ای متناسب با ویژگی‌های متون ادبی به وجود آمده‌اند بخش جدیدی از سبک‌شناسی را آغاز کرده است. در این حوزه پژوهشی نیز فرصت‌های زیادی برای ترکیب روش‌ها و رویه‌های سبک‌شناسی کمی به وجود آمده است.

یکی از ویژگی‌های بالقوه پژوهش‌های سبک‌شناسی پیکره‌ای این است که داده‌های کمی پدیده‌های زبانی که خوانندگان ممکن است از آن‌ها آگاه نباشند را برجسته کند. الگوها ممکن است در یک متن وجود داشته باشند و بر واکنش کلی خوانندگان متن تأثیر بگذارند، در حالی که خوانندگان قادر به تشخیص اینکه چه ویژگی‌هایی در ایجاد کدام تأثیر کمک می‌کنند نباشند. در اینجا تحقیقات معطوف به سبک‌سنجی و زبان‌شناسی پیکره‌ای با تمرکز بر الگوهای پرسامد و کلمات پر تکرار و متداول است که به ایجاد طیف وسیعی از بینش‌ها و برداشت‌ها کمک می‌کند. رویکردهای شناختی در سبک‌شناسی، نقش خوانندگان در خلق معنا را برجسته می‌کنند. این امر معمولاً از طریق شناخت ویژگی‌های متن توسط خوانندگان ایجاد می‌شود. سبک‌شناسی پیکره‌ای می‌تواند روش‌های نوآورانه‌ای برای رسیدن به اصل متن محوری ارائه کند. این حوزه از تحقیقات نیز در بررسی نحوه خوانش الگوهای زبانی توسط خوانندگان می‌تواند ضمن به‌کارگیری روش‌های پیکره‌ای می‌تواند از یافته‌های روان‌شناسی زبان بهره‌مند شود. به طور کلی، به نظر می‌رسد که سبک‌شناسی پیکره‌ای راه‌ها و روش‌های زیادی برای ارائه رویکردهای ترکیبی در مطالعات ادبی در چنته دارد.

منابع

- حسینی معصوم، سیدمحمد (۱۳۹۱). کاربرد پیکره‌های تک‌زبانه تخصصی برای تعیین معادل‌های مناسب در ترجمه. مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، دوره ۴۵ شماره ۳ صص ۶۵-۸۵.
- ذوالفقار کندی، زهره؛ موسوی میانگاه، طیبه؛ روشن، بلقیس (۱۳۹۸). مقایسه روش‌های کلاسیک و روش‌های مبتنی بر اندازه‌های آماری پیکره‌بنیاد در استخراج خودکار واژه‌های پایه علوم پزشکی به روش بسامدی. پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، شماره ۸ (۱) صص ۲۲۴-۲۲۷.
- سپهری، مهرداد (۱۳۸۵). بسامدنگاری و دستاوردهای آن در آموزش. مجله زبان و زبان‌شناسی. سال دوم، شماره ۲، صص ۴۷-۶۰.
- شمیس، سیروس (۱۳۷۸). کلیات سبک‌شناسی. ج ۵. تهران: فردوس.
- عاصی، مصطفی. (۱۳۸۲). از پیکره‌زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای. مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی. تهران دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۴۸۴-۴۹۵.
- غفاری، محمد، نجومیان، امیرعلی. (۱۳۹۱). گفت‌مان غیرمستقیم آزاد و اهمیت آن در سبک‌شناسی روایت: بررسی مقابله‌ای داستان‌های مدرنیستی و پیشامدرنیستی. نقد زبان و ادبیات خارجی. دوره ۵، شماره ۱، صص ۱-۳۴.
- موسوی، سید حمزه، عموزاده، محمد. (۱۳۹۸). بررسی انگیزه باهم‌آیی واژگانی بر پایه معنا‌شناختی قالبی: نمونه موردی «دست». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. دوره ۱۱ شماره ۱، صص ۱۹۳-۲۲۵.
- References
- Anthony, L. (2014). AntConc (Version 3.4) [Computer Software]. Tokyo, Japan: Waseda University. Available from <https://www.laurenceanthony.net/software>
- Archer, D. and Bousfield, D. (2010). "See better, Lear"? See Lear better! A corpus-based pragma-stylistic investigation of Shakespeare's King Lear. In: B. Busse and D. McIntyre, eds. Language and style. London: Routledge, 183-203.
- Baayen, R. Harald. (2009). "Corpus linguistics in morphology: Morphological productivity". Volume 2: An International Handbook, edited by Anke Lüdeling and Merja Kytö, Berlin, New York: De Gruyter Mouton, pp. 101-119. <https://doi.org/10.1017/S0013811109001010>
- Baker, P. (2006). Using Corpora in Discourse Analysis. A&C Black.
- Beikian, A. Esmailnia, S. (2023). Effectiveness of Data-Driven Learning in Reducing Phrasal Verb-related Errors among Intermediate English as a Foreign Language Learners, Iranian Journal of English for Academic Purposes, 12(1), 18-31.
- Biber, D. (2011). Corpus linguistics and the scientific study of literature: Back to the future? Scientific Study of Literature, 11(1), 15-33.
- Biber, D., Conrad, S. and Cortes, V. (2004). If you look at...: Lexical bundles in university teaching and textbooks. Applied Linguistics, 25(2), 371-405.
- Biber, D., Conrad, S., Finegan, E., Leech, G. and Johansson, S. (1999). Longman grammar of spoken and written English. Harlow: Longman.
- Burrows, J. (1987). Computation into criticism: A study of Jane Austen's novels and an experiment in method. Oxford: Clarendon.
- Burrows, J. (1997). Style. In: E. Copeland and J. McMaster, ed. The Cambridge companion to Jane Austen. Cambridge: Cambridge University Press, 1997, 170-188. Cambridge Collections Online, Cambridge University Press, <http://doi.org/10.1017./CCOL.05214950172>

- Burrows, J. (۲۰۰۴). Textual analysis. In: S. Schreibman, R. Siemens and J. Unsworth, eds. *A companion to digital humanities*. Oxford: Blackwell, ۳۲۳-۳۴۸.
- Busse, B. (۲۰۱۰). *Speech, writing and thought presentation in a corpus of nineteenth-century English narrative fiction*. University of Bern.
- Carter, R. (۲۰۱۰). Methodologies for stylistic analysis: Practices and pedagogies. In: B. Busse and D. McIntyre, eds. *Language and style*. Basingstoke: Palgrave, ۵۵-۶۸.
- Cheng, W. (۲۰۱۰). What can a corpus tell us about language teaching? In A. O’Keeffe and M. McCarthy, eds. *The Routledge Handbook of Corpus Linguistics*. Routledge: Taylor & Francis, ۳۳۲-۳۱۹.
- Culpeper, J. (۲۰۰۹). Keyness: Words, parts-of-speech and semantic categories in the character-talk of Shakespeare’s *Romeo and Juliet*. *International Journal of Corpus Linguistics*, ۱۴(۱), ۲۹-۵۹.
- Dillon, L. G. (۲۰۰۶). Corpus, creativity, and cliché: Where statistics meet aesthetics. *Journal of Literary Semantics*, ۳۵, ۹۷-۱۰۳.
- Fischer-Starcke, B., (۲۰۰۹) Keywords and frequent phrases of Jane Austen’s *Pride and Prejudice*. *International Journal of Corpus Linguistics*, ۱۴(۴), ۴۹۲-۵۲۳.
- Flowerdew, L. (۲۰۱۲). *Corpora and language education*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Glynn, D., & Robinson, J. A., eds. (۲۰۱۴). *Corpus Methods for Semantics: Quantitative Studies in Polysemy and Synonymy*. John Benjamins.
- Hockey, S. (۲۰۰۴). The history of humanities computing. In: S. Schreibman, R. Siemens and J. Unsworth, eds. *A companion to digital humanities*. Oxford: Blackwell, ۳-۱۹.
- Hoey, M. (۲۰۰۷). Lexical priming and literary creativity. In: M. Hoey, M. Mahlberg, M. Stubbs and W. Teubert, Text, discourse and corpora. Theory and analysis. London: Continuum, ۷-۲۹.
- Hoover, D. (۲۰۰۷). Corpus stylistics, stylometry, and the styles of Henry James. *Style*, ۴۱(۲), ۱۷۴-۲۵۵.
- Hoover, D. (۲۰۱۳). Quantitative analysis and literary studies. In: R. Siemens and S. Schreibman, eds. *A companion to digital literary studies*. Oxford: Blackwell, ۵۱۷-۵۳۳.
- Hunston, S. (۲۰۲۲). *Corpora in Applied Linguistics* (۲nd edition). Cambridge: Cambridge University Press.
- Jeffries, L. and McIntyre, D., (۲۰۱۰) *Stylistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kennedy, G. (۱۹۹۸). *An Introduction to Corpus Linguistics*. London: Longman.
- Kübler, N. and Aston, G. (۲۰۱۰). Using corpora in Translation. In A. O’Keeffe and M. McCarthy, eds. *The Routledge Handbook of Corpus Linguistics*. Routledge: Taylor & Francis, ۵۱۵-۵۰۱.
- Leech, G. and Short, M. (۲۰۰۷). *Style in fiction. A linguistic introduction to English fictional prose* (۲nd edition). Harlow: Pearson Education.
- Louw, W. E. (۱۹۹۳). Irony in the text or insincerity in the writer? The diagnostic potential of semantic prosodies. In: M. Baker, G. Francis and E. Tognini-Bonelli, eds. *Text and technology: In honour of John Sinclair*. Amsterdam: John Benjamins, ۱۵۷-۱۷۴.

- Louw, W. E. (۱۹۹۷). The role of corpora in critical literary appreciation. In: A. Wichman, S. Fligelstone, T. McEnery and G. Knowles, eds. *Teaching and language corpora*. Harlow: Addison Wesley Longman, ۲۴۰-۲۵۱
- Mahlberg, M. (۲۰۰۵). *English general nouns: A corpus theoretical approach*. Amsterdam: John Benjamins.
- Mahlberg, M. (۲۰۰۷). Clusters, key clusters and local textual functions in Dickens. *Corpora*, ۲(۱), ۱-۳۱
- Mahlberg, M. (۲۰۱۲). Corpus analysis of literary texts. In: C. A. Chapelle, ed. *The encyclopedia of applied linguistics*. Blackwell.
- Mahlberg, M. (۲۰۱۳). *Corpus stylistics and Dickens's fiction*. New York and London: Routledge.
- Mahlberg, M. (۲۰۱۴). *Corpus Stylistics*. In M. Burke, eds. *The Routledge Handbook of Stylistics*. Routledge: Taylor & Francis, ۳۹۲-۳۷۸
- Mahlberg, M. and McIntyre, D. (۲۰۱۱). A case for corpus stylistics: Ian Fleming's *Casino Royale*. *English Text Construction*, ۴(۲), ۲۰۴-۲۲۷
- Mahlberg, M. and Smith, C. (۲۰۱۰). Corpus approaches to prose fiction: Civility and body language in *Pride and Prejudice*. In: D. McIntyre and B. Busse, eds. *Language and style*. Basingstoke: Palgrave Macmillan, ۴۴۹-۴۶۷
- Marelli, M. (۲۰۱۹). Quantitative Methods in Morphology: Corpora and Other "Big Data" Approaches. *Oxford Research Encyclopedia of Linguistics*. Retrieved ۱۶ Jun ۲۰۲۴, from <https://oxfordre.com/linguistics/view/10.1093/acrefore/0001.001.9780199384605/acrefore-9780199384605-e.602>
- McIntyre, D. (۲۰۱۰). Dialogue and characterization in Quentin Tarantino's *Reservoir Dogs*: A corpus stylistic analysis. In: D. McIntyre and B. Busse, eds. *Language and style*. Basingstoke: Palgrave Macmillan, ۱۶۲-۱۸۲
- McIntyre, D. and Busse, B. (eds. ۲۰۱۰). *Language and style*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- O'Keefe, A., & McCarthy, M. J. (Eds.). (۲۰۲۲). *The Routledge Handbook of Corpus Linguistics* (2nd ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781032076399/4234>
- Oveidi, M., Sepehri, M., & Shafee, S. (۲۰۲۲). Differential Effects of Input/Output Tasks on Learning English Collocations by Iranian EFL Learners Through the Corpus-Based Instruction. *Journal of Modern Research in English Language Studies*, ۹(۴), ۱۶۸-۱۴۳
- Rayson, P. (۲۰۰۸). 'From keywords to key semantic domains'. *International Journal of Corpus Linguistics*, ۱۳(۴), ۵۱۹-۵۴۹
- Ruhleman, C. (۲۰۱۰). What can a corpus tell us about pragmatics? In Anne O'Keefe and Michael McCarthy (eds.). *The Routledge Handbook of Corpus Linguistics*. Routledge, Taylor & Francis. ۲۰۱-۲۸۸.
- Scott, M. (۲۰۱۲). *WordSmith Tools version ۱۰*. Liverpool: Lexical Analysis Software.
- Sepehri, M. (۲۰۱۵). *The effects of data-driven learning on Iranian EFL learners' writing skills development* [Doctoral dissertation, University of Birmingham] Birmingham Research Repository. <https://etheses.bham.ac.uk/id/eprint/7277>
- Sinclair, J., ed. (۱۹۸۷). *Looking up. An account of the COBUILD project in lexical computing*. London: HarperCollins.
- Sinclair, J. (۱۹۹۸). Corpus evidence in language description, In Gerry Knowles, Tony McEnery, Stephen Fligelstone, Anne Wichman, (Eds.) *Teaching and language corpora*. Longman pp.۳۹-۲۷.

- Sinclair, J. (۲۰۰۴). *Trust the text. Language, corpus and discourse*. London: Routledge.
- Spitzer, L. (۱۹۴۸). *Linguistics and literary history*. Princeton: Princeton University Press.
- Starcke, B. (۲۰۰۶). *The phraseology of Jane Austen's Persuasion: Phraseological units as carriers of meaning*. ICAME Journal, ۳۰, ۸۷-۱۰۴
- Stubbs, M. (۲۰۰۵). *Conrad in the computer: Examples of quantitative stylistics Methods*. *Language and Literature*, ۱۴(۱), ۵-۲۴
- Thornbury, S. (۲۰۱۰). *What can a corpus tell us about discourse?* In Anne O'Keeffe and Michael McCarthy. *The Routledge Handbook of Corpus Linguistics*. Routledge, Taylor & Francis. ۲۸۷-۲۹۰ .
- Toolan, M. (۲۰۰۹). *Narrative progression in the short story: A corpus stylistic approach*. Amsterdam: John Benjamins.
- Viana, V., Fausto, F. and Zyngier, S. (۲۰۰۷). *Corpus linguistics and literature: A contrastive analysis of Dan Brown and Machado de Assis*. In: S. Zyngier, V. Viana and J. Jandre, eds. *Textos e leituras: Estudos empíricos de Língua e literature*. Rio de Janeiro: Publit, ۲۳۳-۲۵۶

